



به نام خدا

پرسش مطرح شده:

در مورد شرکت‌های خصولتی، هرز و حیف و میل منابع به وفور دیده می‌شود، به نظر شما، در این مورد چه کاری می‌توان کرد؟ این شرکت‌ها سهم ۷۰ درصدی در بودجه کشور را دارند. آیا مجامع علمی می‌خواهند فکری به حال این شرکت‌ها بکنند؟ آیا مجامع علمی حسابداری و حسابرسی توانسته‌اند برنامه مدونی برای اینگونه شرکت‌ها داشته باشند. لطفا راهنمایی بفرمایید.

پاسخ:

در خصوص دولت‌ها، همیشه بحث کارایی و عملکرد آنها، از نظر اقتصادی و سیاسی مطرح است. در اثر پیشرفت‌های مختلف در اقتصاد جهانی، این اندیشه به وجود آمده است که دولت‌ها، دو مسئولیت بسیار مهم در کشورها برعهده دارند که شامل وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری است. وظایف حاکمیتی شامل وضع قوانین و مقررات، اعمال آن قوانین و نظارت بر اجرای صحیح این قوانین می‌شود. دولت‌ها با وضع قوانینی چون قوانین منع واردات، کاهش واردات بی‌رویه و قانون حمایت از صادرات و غیره، به اجرای وظایف حاکمیتی خود می‌پردازند. وظایف تصدی‌گری بیان‌کننده وظایفی است که باید در عمل توسط مردم انجام شود در حالی که توسط دولت‌ها انجام می‌شود. به عنوان نمونه، در ایران صنایع مختلفی چون نفت، پتروشیمی و گاز در عمل توسط دولت اداره می‌شوند.

در سال‌های اخیر، کشورهای مختلف در برهه‌هایی از زمان دچار رکودهای اقتصادی نابه‌نجاری شدند و پس از بررسی‌های انجام شده، مشخص شد علت بسیاری از این بحران‌ها، وجود دولت‌های بزرگ و غیرکارآمدی است که اکثر امور مملکت بر

عهده آنها است. به همین دلیل، استراتژی‌هایی تعریف شد تا از این پس، دولت‌ها که سازمان‌هایی بروکراتیک، بسیار طولانی و با کارایی پایین نسبت به شرکت‌های خصوصی بودند، کوچک شده و عمده یا صد در صد تمرکزشان بر ایفای وظایف حاکمیتی معطوف شود.

نام این فرایند "خصوصی سازی" است و در طی آن، دولت‌ها باید وظایف تصدی‌گری خود را به مردم انتقال دهند. در تمام کشورهای دنیا، سازوکارهای مناسبی طراحی شد تا مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی انتقال پیدا کند. در این مورد، تجربه‌های موفق خصوصی سازی در کشورهای جهان توسط سازمان خصوصی سازی ایران ترجمه و ارائه شده است. به عنوان نمونه، در کشور جمهوری چک، کوپن‌هایی رو تعریف کردند که شرکت‌های دولتی را ارزش‌گذاری کرده و به میزانی که افراد در این شرکتها سهمیم بودند به آنان کوپن‌هایی داده شده است که قابل معامله بوده و مورد خرید و فروش قرار گرفته است. در کشورهای موفق در این زمینه، دولت‌ها، ابتدا اقدام به تجهیز افراد و مردم عادی کردند و تسهیلاتی را برای آنان فراهم آوردند تا وجوه لازم را در اختیار داشته باشند و این انتقال مالکیت به نحو احسن انجام شود و مردم از مزایای این انتقال مالکیت بهره‌مند شوند.

اما در ایران، در این مورد، برنامه‌ریزی صورت نگرفت و زیر ساختی برای آن وجود نداشت، از سوی دیگر، بورس اوراق بهادار ایران، توسعه چشم‌گیری نداشته است تا بستر را برای معاملات شرکت‌های دولتی فراهم سازد. در نهایت، ثروت قابل توزیع مجدداً در اختیار سازمان‌هایی مانند نهادها و بنیادها یا شرکت‌های تحت پوشش آنها قرار گرفت که همان روش‌های دولت و سازمان دولتی را اعمال می‌کردند و همان فرهنگ شرکت‌های دولتی بر این شرکتها حاکم بود و در نتیجه، مدیریت اموال به صورت کامل به مردم سپرده نشد و توزیع ثروت عادلانه صورت نگرفت و اهداف مدون در این خصوص محقق نشد. این شرکت‌ها در اصطلاح، شرکت‌های خصولتی نامیده می‌شوند. شرکت‌هایی که بخشی از ویژگی‌های شرکت‌های خصوصی و بخشی از خصوصیات شرکت‌های دولتی را دارند. متأسفانه، در بسیاری از شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادها در ایران، سیستم‌های ارزیابی عملکرد مدیران وجود ندارد و در بسیاری از موارد، در انتصاب مدیران به جای شایسته سالاری، رابطه سالاری حکمفرماست و این فرایند موجب تداوم هدر رفت منابع در این شرکت‌ها شده است.

بهترین اندیشه در مورد این شرکت‌ها، توجه به معیارهای ارزیابی عملکرد، تدوین شاخص‌های عملکرد مدیران و نظارت مجامع آنها برای ارتقای نظارت و بهبود عملکرد و تقویت شایسته سالاری در انتصاب مدیران است که شیوه‌ای مفید برای جلوگیری از هرز و حیف و میل منابع موجود می‌باشد.

و اما در این میان، نقش جامعه علمی و حرفه‌ای حسابداری چیست؟

حرفه حسابداری از طریق تدوین استانداردها و بسترسازی برای ارتقای شفافیت اطلاعات، زمینه را برای نشان دادن تاثیر اقدامات خوب یا بد مدیران روی عناصر صورت‌های مالی شرکت‌ها و انعکاس درست آن فراهم می‌سازد و نقش مستقیم و موثری در ارتقای عملکرد مدیران ندارد چون به شرح پیشگفته، بهبود مدیریت شرکت‌ها اعم از شرکت‌های خصوصی، دولتی و خصولتی مستلزم انتخاب مدیران شایسته، انجام وظیفه آنان به درستی و استقرار سیستم‌های مطلوب ارزیابی عملکرد مدیران است.